

بانک شاهنشاهی: ابزار مالی انگلیس در ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۳ ساعت ۱۱:۴۰

بانک شاهنشاهی انگلیس اولین بانک مدرن در ایران است که به سبک بانک‌های اروپایی تاسیس شد. امتیاز این بانک به کشور انگلیس تعلق داشت. انگلیس با اهداف تجاری، سیاسی و اقتصادی وجود یک بانک مدرن را ضروری دید و به همین منظور مقدمات تاسیس این بانک را فراهم کرد. بانک شاهنشاهی طبق انتظارات انگلیس، کمک زیادی به تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی این کشور کرد و از طرفی سود سرشاری را به دست آورد.

بانک شاهنشاهی انگلیس اولین بانک مدرن در ایران است که به سبک بانک‌های اروپایی تاسیس شد. امتیاز این بانک به کشور انگلیس تعلق داشت. انگلیس با اهداف تجاری، سیاسی و اقتصادی وجود یک بانک مدرن را ضروری دید و به همین منظور مقدمات تاسیس این بانک را فراهم کرد. بانک شاهنشاهی طبق انتظارات انگلیس، کمک زیادی به تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی این کشور کرد و از طرفی سود سرشاری را به دست آورد.

بانک شاهنشاهی و تاسیس آن

بانک شاهنشاهی در سال ۱۸۸۹ در میدان توپخانه تهران تاسیس شد. امتیاز این بانک پیشتر از سوی ناصرالدین شاه به یک بانکدار یهودی به نام بارون جولیوس دو رویتر واگذار شده بود. به طور کلی در قرن نوزدهم، وام دهندگان یهودی کنترل قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشتند. از این رو نباید تعجب کرد که چرا یک یهودی امتیاز این بانک را به دست آورده بود. با این حال بعد از دریافت این امتیاز توسط دو رویتر، مردم و رقیب اصلی انگلیس یعنی روسیه واکنش سختی به آن نشان دادند و به قرارداد تاسیس بانک اعتراض کردند. اعتراضات مردم باعث شد تا موضوع تاسیس بانک برای مدت کوتاهی مسکوت بماند. اما در نهایت رویتر در سال ۱۸۸۹، به لطف حمایت هنری دراموند ولف، وزیر یهودی بریتانیا، به مدت ۶۰ سال مجوز بانکداری و معدنکاری جدید در ایران گرفت و بدین ترتیب بانک شاهنشاهی ایران در سال ۱۸۸۹ شروع به کار کرد.

بانک شاهنشاهی به محض شروع فعالیت‌های خود، اسکناس را معرفی کرد و از مالیات معاف شد. این دو موضوع تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های پولی ایران گذاشت. البته تا پیش از تاسیس بانک شاهنشاهی، اسکناس توسط فرانسه به ایران رواج داده شده بود. اما پول رایج کشور، همچنان طلا و مسکوکات بود. با تاسیس بانک شاهنشاهی، نشر اسکناس منحصر به این بانک تعلق گرفت و «دو سال بعد از تاسیس بانک، اسکناس جدید بانک با سرلوحه فارسی و علامت شیر و خورشید و عکس ناصرالدین شاه قاجار و ذکر ارزش آن منتشر شد. مجموعاً بانک شاهنشاهی، چهل سال در ایران اسکناس منتشر کرد تا این که در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ ش، حق انتشار اسکناس از آن بانک سلب و در مقابل دویست هزار لیره انگلیس، به بانک ملی ایران واگذار گردید...» [۱]

اهداف و فعالیت‌های بانک شاهنشاهی

بانک شاهنشاهی با اهداف مالی و اقتصادی تاسیس شد. البته در ورای تمام فعالیت‌های اقتصادی انگلیس در آن دوره می‌توان ردپای اهداف سیاسی را نیز مشاهده نمود. از این رو می‌توان توسل این بانک به حیل سیاسی در تحقق اهداف اقتصادی را نیز مشاهده کرد. با این حال اگر بخواهیم به اهداف اساسی و مهم این بانک اشاره نماییم، باید گفت هدف اساسی بانک شاهنشاهی این بود که «تا حد امکان توجه بازرگانان ایرانی را به داد و ستد با انگلیس و مستعمرات آسیایی بریتانیا جلب نماید و قدرت پولی و امور صرافی را هر چه بیشتر در داخل ایران به دست آورد و به همین منظور با تمهید مقدمات و به کمک ایادی خود در دربار توانست امتیاز انحصاری چاپ و نشر اسکناس را در سراسر کشور کسب کند و کمی بعد ضرابخانه دولتی را نیز زیر نظارت مستقیم خود قرار دهد...» [۲]

بانک شاهنشاهی در تحقق اهداف خود، منابع مالی و سیاسی فراوانی داشت و تمرکز خود را بر حذف رقبا قرار داده بود. البته رهبران و سرمایه‌گذاران بانک در ابتدا با کسب درآمد کمتر مشکلی نداشتند، زیرا معتقد بودند که خلاص شدن از شر رقبا در نهایت به سود بسیار بیشتری منجر می‌شود. این بانک با بسیاری از شرکت‌های قدرتمند بین‌المللی نیز در ارتباط بود که به تقویت قدرت بانک کمک می‌کرد. چنانچه بانک با کمک شرکت راه آهن عثمانی و شرکت شل، توانست رقبای آمریکایی و روسی را از سر راه براند و انحصار فعالیت‌های مالی در ایران را حفظ کند... [۳]

اعطای وام از سوی بانک و سودهای سرشار آن یکی از کارکردهای مهم بانک شاهنشاهی، اعطای وام به شخصیت‌های برجسته سیاسی در مواقع بحرانی بود. به عنوان نمونه وقتی ناصرالدین شاه امتیاز تالبوت را لغو کرد، مجبور به تادیه خسارت شد. در این شرایط بانک شاهنشاهی شاه را به دریافت وام ترغیب و تشویق کرد تا از این طریق بتواند شاه را مقروض کند. بنابراین وقتی صاحب امتیاز تالبوت، شاه را مجبور به پرداخت خسارت کرد، موضوع دریافت وام از بانک شاهنشاهی مطرح شد. بدین ترتیب شاه مجبور شد برای پرداخت خسارت مورد ادعای تالبوت مبلغ ۵۰۰ هزار لیره انگلیسی با فرع ۶ درصد در سال از بانک شاهنشاهی وام بگیرد و این نخستین وامی بود که دولت ایران در دوره قاجاریه از بیگانگان گرفت. [۴]

البته گفته شده است این بانک در ظاهر هیچ گونه ارتباط رسمی با دولت انگلستان نداشت و یک مؤسسه خصوصی محسوب می‌شد. بنابراین وام از طرف سرمایه‌داران بریتانیا و به اشاره دولت آن کشور در اختیار شاه قرار می‌گرفت [۵] و کشور انگلیس نیز از منافع مالی و تجاری این بانک منتفع می‌شد. از طرفی در مواردی که میان بانک و حکومت ایران اختلافی پیش می‌آمد، دولت انگلیس به سرعت وارد ماجرا می‌شد و مداخله می‌کرد. از این رو نمی‌توان نقش دولت و حکومت انگلیس در اداره و کنترل بانک را نادیده گرفت.

بانک شاهنشاهی در اعطای وام شرایط بسیار سختی را قرار داده بود که در نهایت همه آنها به نفع بانک بود. به عنوان مثال وثیقه وام از دو محل معتبر بود. نخست: محصولات شیلات دریای خزر که جزو انحصارات دولتی بود و دوم: درآمد گمرک‌های فارس و بنادر جنوب ایران. درآمدهای این گمرک‌ها از عواید سایر گمرک‌های داخلی ایران که منحصراً به بازپرداخت وام سال ۱۹۰۰ انگلیس اختصاص داشت، مستثنی بود [۶]. بنابراین در مواردی که وام گیرنده از جمله شخص شاه نمی‌توانست وام خود را تسویه

نماید در این صورت بانک می‌توانست از فرصت استفاده کند و درآمدهای زیادی را نصیب خود نماید.

سخن نهایی

بانک شاهنشاهی در طول دوران فعالیت‌های خود به یکی از مهم‌ترین نهادها و ابزارهای مالی و حتی سیاسی انگلیس تبدیل شد. این بانک در بسیاری از مسائل سیاسی نقش و دخالت مستقیم داشت و از افراد و چهره‌های موردنظر خود حمایت می‌کرد. پشتیبانی از رضاخان برای تصاحب قدرت را می‌توان نمونه‌ای از این موارد دانست که در بسیاری از منابع به آن اشاره شده است. با این حال این بانک توانست تا اوایل دهه ۱۳۳۰ تحت عناوین و نام‌های مختلف همچون بانک خاورمیانه در ایران فعالیت کند. اما بعد از آن بخش مهمی از سپرده بانک به دلایل مختلف از جمله تیرگی روابط ایران و انگلیس در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق از بین رفت و بانک رسماً تعطیل شد.

[۱] - اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، روزشمار شمسی، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴

[۲] - علی اصغر شمیم، ایران دوره سلطنت قاجار قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، تهران، بهزاد، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۳۷۴

[۳] - حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۱

[۴] - شمیم، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹

[۵] - آبادیان، همان، صص ۵۳۲-۵۳۳

[۶] - آبادیان، همان، صص ۵۳۲-۵۳۳

